گزارش

محدود شدن هزینه‌های مالی لازم برای تعطیلی گوانتانامو

رئیس‌جمهوری امریکا با امضای قانون بودجه نظامی ۲۰۱۱ به ناچار به محدود کردن تامین هزینه مالی انتقال زندانیان گوانتانامو به امریکا و سایر کشورها تن داد. به گزارش ریانووستی، «باراک اوباما» رئیس‌جمهوری امریکا در حالی جمعه بودجه نظامی ۲۰۱۱ این کشور را امضا کرد که او با تصویب این لایحه، عملاً به کاهش هزینه‌های مالی انتقال زندانیان گوانتانامو که با هدف تعطیلی این بازداشتگاه تعیین شده بود، تن داد. باراک اوباما در واقع با امضای کاهش بودجه نظامی امریکا اذعان کرد به وعده خود مبنی بر تعطیلی هرچه سریع‌تر این زندان جامه عمل نخواهد پوشاند. بنا بر این گزارش، تعطیلی گوانتانامو به عنوان نماد نقض حقوق بشر در دولت «جرج بوش» یکی از نخستین وعده‌های انتخاباتی اوباما در پست ریاست‌جمهوری و یکی از معدود وعده‌های عمل‌نشده اوست. گفته شده مانع اصلی تعطیلی این بازداشتگاه رویکرد منفی اغلب اعضای کنگره از هر دو حزب «جمهوریخواه» و «دموکرات» درباره امکان انتقال افراد مظنون به تروریسم به خاک امریکاست. در بیانیه مکتوب اوباما آمده است: «امروز من قانون کاهش بودجه نظامی ۲۰۱۱ را که موید تامین هزینه مالی برنامه‌های دفاعی امریکا در داخل و خارج از کشور و ساخت‌وساز نظامی و برنامه‌های ملی انرژی مرتبط با امنیت ملی است، امضا کردم.» او ادامه داده است: «در بند ۱۰۳۲ منع تخصیص هزینه مالی در سال ۲۰۱۱ برای انتقال زندانیان گوانتانامو به امریکا ذکر می‌شود و بند ۱۰۳۳ مانع استفاده از وجوه مالی برای تحویل و استرداد زندانیان به سایر کشورها در صورت عدم رعایت شرایط مقتضی است.» به نظر رئیس‌جمهوری امریکا، محدودیت امکانات انتقال زندانیان برای رسیدگی قضایی به امریکا تهدیدی جدی برای امنیت کشور است. رئیس‌جمهوری امریکا در بیانیه خود آورده است: «هرگونه تلاش برای محروم کردن قوه مجریه از رسیدگی به پرونده زندانیان گوانتانامو توسط دادگاه فدرال موجب تضعیف تلاش‌های امریکا در زمینه مبارزه با تروریسم شده و می‌تواند بر وضع موجود در حوزه امنیتی تاثیر منفی داشته باشد.» اوباما در ادامه ضمن تعهد به اینکه دولت امریکا به همکاری با کنگره ادامه خواهد داد تا در نهایت محدودیت‌ها حذف شده و دیگر اعمال نشود، گفت: «به‌رغم اینکه مطلقاً مخالف این تصمیم‌ها هستم این قانون را به دلیل ضرورت تایید تامین هزینه مالی از جمله اقدام‌های نظامی در سال ۲۰۱۱ امضا کردم.» در این گزارش آمده است بودجه سال ۲۰۱۱ وزارت دفاع امریکا (پنتاگون) شامل تخصیص ۱۵۸/۷ میلیارد دلار برای تامین هزینه مالی اقدامات نظامی امریکا در خارج از جمله در افغانستان و عراق است. میزان کل بودجه امریکا برابر با ۷۲۵ میلیارد دلار است که بیش از ۱۱/۵ میلیارد دلار به منظور تقویت قابلیت نبرد نیروهای امنیتی افغانستان و ۱/۵ میلیارد دلار به نیروهای امنیتی عراق اختصاص خواهد یافت.

رفراندوم استقلال جنوب از شمال سودان

آیا جدایی بدون فروپاشی امکان‌پذیر است

ترجمه: آرش فرح‌زاد

اینکه «آچای چول» و «ماجوک علی» در جدیدترین کشور دنیا چه نوع زندگی خواهند داشت به این سوال ساده محدود می‌شود که این زوج چقدر می‌توانند خود را در اتوبوس جا دهند. در اواخر نوامبر این زوج همراه با فرزند ۹ساله‌شان بیرون منزل خود در دانگل در شمال سودان سوار بر اتوبوسی فرسوده شدند تا در سفری ۹روزه به سمت جنوب این کشور حرکت کنند. روی سقف اتوبوس ۱۱ تختخواب، ۱۱ تشک، پنج چمدان، یک اجاق گاز، یک پنکه، یک تلویزیون و چیزهای دیگری قرار داشت. این خانواده، بخشی از صدها هزار جنوبی هستند که قرار بود تا روز برگزاری رفراندوم در ۹ ژانویه۲۰۱۱ از شمال سودان اخراج شوند. مسافران این اتوبوس که گنجایش ۴۴ نفر را دارد شب‌ها در گرما و شن و در کنار جاده چادر می‌زنند تا صبح روز بعد دوباره به سفر خود ادامه دهند. البته آچای در مورد همه چیز خوش‌بین است. «ما در سرزمین خودمان هستیم.» وی با لبخند ادامه می‌دهد: «حتی اگر هیچ پولی نداشته باشیم، اتفاق بدی نخواهد افتاد. چون در سرزمین خودمان هستیم.»

دو روز بعد، در نزدیکی روستای تاگالی، ماجیک کول سرپرست این گروه از مسافران، از همین عبارات برای نشان دادن قریب‌الوقوع بودن جنگ استفاده می‌کند: «ما در سرزمین خودمان هستیم. اینجا جایی است که پدران ما زندگی کردند و مردند. باید برای آن مبارزه کنیم.»

آیا سودان شاهد تولد یک ملت جدید است یا اینکه جنگی قدیمی دوباره شروع خواهد شد؟ در حال و هوای روزهای قبل از رفراندوم که انتظار می‌رود جنوبی‌ها به تقسیم شدن بزرگ‌ترین کشور آفریقا رای دهند، بجا بودن هر دو سوال را می‌توان درک کرد. آفریقا در این سرزمین پهناور با دنیای عرب برخورد می‌کند. دو نیمه این ملت در فرهنگ، نژاد و مذهب تفاوت‌هایی با هم دارند. در دو قرن گذشته اعراب شمال، آفریقایی‌های جنوب را تحت استیلای خود گرفتند و در قرن بیستم از آنها برده و اسیر ساختند. دو جنگ داخلی سودان پس از استقلال از آنگلو- مصری‌ها در سال ۱۹۵۶ جان حدود دو میلیون نفر از مردم این سرزمین را گرفت. این عدم پایداری و بی‌ثباتی در گذشته، تنش‌های بیشتری را در میان جمعیت ۴۴ میلیونی سودان برمی‌انگیزد. این تنش‌ها در یک دنیای بزرگ‌تر، بیشتر هم می‌شود. با توجه به فرار مهاجران از درگیری، تنش‌ها در سودان به خارج از مرزهای این کشور نیز کشیده خواهد شد اما از سوی دیگر و با توجه به ذخایر عظیم نفتی و معادن غنی مس و طلا در این کشور بحران‌زده، منافع اقتصادی زیادی وارد سودان می‌شود. جدایی صلح‌آمیز شمال و جنوب سودان امکان‌پذیر است. در سال ۲۰۰۵، ایالات متحده میانجی توافقنامه صلحی فراگیر شد تا به بیش از نیم قرن درگیری در این کشور پایان دهد. در این توافقنامه نوعی خودمختاری به جنوب داده شد و بر اساس گزینه‌ای در این توافقنامه، در صورتی که جنوبی‌ها به استقلال از شمال رای دهند این جدایی امکان‌پذیر خواهد شد. این اتفاق در ابتدا بعید به نظر می‌رسید؛ به دلیل مخالفت جان گارانگ رهبر جنوبی‌ها. در سال ۲۰۰۵ و با مرگ وی و ادامه تبعیض قائل شدن خارطوم میان مناطق سودان، جنوبی‌ها جدایی را انتخاب کردند. «این آخرین قسمت سفر ماست.» این اظهارات «سالوا کر مایاردیت» در ژانویه گذشته است؛ مردی که انتظار می‌رود اولین رئیس‌جمهور جنوبی‌ها باشد. دلایلی برای همراهی با خوش‌بینی او وجود دارد. به گفته یکی از ناظران مرکز صلح کارتر، روند رفراندوم جدول زمانی دشواری را پیش روی خود داشت اما قابل اجراست. شمالی‌ها و جنوبی‌ها هر دو خویشتنداری و تعادل دیپلماتیک را از خود بروز دادند. عمرالبشیر، رئیس‌جمهور سودان وعده داد اگر جنوبی‌ها رای به استقلال بدهند، به خواسته آنها احترام خواهد گذاشت. زمانی هم که شورشیان و بمبگذاران شمالی وارد جنوب سودان شدند و ناآرامی ایجاد کردند، جنوبی‌ها تلافی نکردند. در این میان، زاک ورتین متخصص امور سودان در گروه بین‌المللی بحران، نفت سودان را عاملی برای صلح می‌داند. «بخش اعظمی از نفت سودان در جنوب این کشور قرار دارد اما زیرساخت‌ها برای صدور آن در شمال واقع شده است. به این ترتیب وابستگی دوطرفه‌ای میان شمال و جنوب وجود دارد.» اما اگر تاریخ سودان، جدایی شمال از جنوب را راه‌حلی بدیهی می‌داند، کشیدن خطی در شن و ماسه آنقدر هم که به نظر می‌رسد ساده نیست. شمالی‌ها می‌توانند رنگین‌پوست شوند، جنوبی‌ها هم می‌توانند مسلمان شوند. جوبا، پایتخت جنوب سودان هم جنوبی‌ترین شهر عرب‌زبان در دنیاست. این مناقشه‌ها پیش از این بارها باعث بروز خشونت شده است. در سال ۲۰۰۸، ارتش شمال وارد شهر آبیئی شد و حدود صد نفر از ساکنان این شهر را به قتل رساند. در سال گذشته نیز حملاتی به دهکده‌های اطراف این شهر صورت گرفت. بانیان توافقنامه فراگیر صلح برای آنکه اجازه ندهند مناقشات آبیئی روند کلی صلح را مختل کند، گزینه رفراندوم جداگانه‌ای را برای این شهر در توافقنامه گنجاندند تا ساکنان آبیئی تصمیم بگیرند که می‌خواهند به شمال ملحق شوند یا جنوب. اما بن‌بست پیش‌آمده در مورد اینکه چه قبایلی می‌توانند در این رفراندوم شرکت کنند، باعث شد عملاً رفراندوم این منطقه لغو شود. با ناکام ماندن روند رفراندوم در آبیئی، انتظار می‌رود کشتارها و خشونت‌های بیشتری رخ دهد. قبیله «انگوک دینکا» که از قبایل شاخص و پرنفوذ این منطقه است تحت حمایت ارتش آزادیبخش خلق سودان اصلی‌ترین نیروی شورشی جنوب سودان قرار دارد. این گروه شورشی عامل اصلی بروز درگیری و تنش در منطقه است. برخی از کارشناسان مسائل سودان، شمالی‌ها را نیز در تنش پیش‌آمده مقصر می‌دانند. پس جهان چگونه می‌تواند از بروز بحران دیگری در سودان جلوگیری کند؟ پاسخ گزینه‌ای است که طی دهه‌های اخیر در سودان به فکر کسی خطور نمی‌کرد؛ دیپلماسی.

پاییز گذشته و در حالی که این کشور در آستانه رفراندوم قرار داشت، هیلاری کلینتون وزیر خارجه امریکا در شورای روابط خارجی، سودان را به «بمب ساعتی با تبعات فراوان» تشبیه کرد. کلینتون به این نکته اشاره کرد که از دست دادن جنوب، «تصمیمی بسیار دشوار برای شمال خواهد بود. بنابراین باید تا زمان رفراندوم راه‌هایی برای ساده‌تر کردن این جدایی پیدا کنیم». در ماه نوامبر ۲۰۱۰، سناتور جان کری از طرف دولت اوباما به خارطوم سفر کرد. کری در خارطوم وعده داد در صورتی که شمال امکان برگزاری رفراندومی صلح‌آمیز و آزاد را فراهم کند، ایالات متحده این کشور را از لیست کشورهای حامی تروریسم خارج خواهد کرد. این روند در مناطقی از سودان از جمله در دارفور که صحنه نبرد شورشیان و رژیم البشیر است باعث پایان تحریم‌های اقتصادی خواهد شد که مرهمی بر بدهی خارجی ۳۵ میلیارد دلاری این کشور خواهد بود. سناتور کری در این مورد خوش‌بین است: «بسیار امیدواریم. طرفین تمام تلاش خود را می‌کنند تا مانع از بروز درگیری تازه‌ای شوند.»

نرمش واشنگتن در قبال سودان بازتاب‌هایی را در دیگر پایتخت‌ها نیز داشته است. طی ۱۸ ماه گذشته تابو امبکی رئیس‌جمهور سابق آفریقای جنوبی به نمایندگی از اتحادیه آفریقا رهبری میانجیگران بین‌المللی در مذاکرات شمال و جنوب را بر عهده داشته است. دولت قطر نیز میزبانی گفت‌وگوهای صلح دارفور را بر عهده داشت و پکن که استخراج و واردات بخش عظیمی از نفت سودان را در اختیار دارد تلاش‌های دیپلماتیکی برای حل مناقشه انجام داده است. اسکات گریشن ژنرال بازنشسته نیروی هوایی امریکا و فرستاده ویژه ایالات متحده در امور سودان می‌گوید: «روندی از همکاری‌های بی‌سابقه بین‌المللی در مورد سودان شکل گرفته است. از روی اتفاق گرد هم نیامده‌ایم. همه یک ماموریت داریم؛ فراهم کردن محیطی که طرفین درگیری بتوانند خودشان مشکل را حل کنند.» با این حال، اشتباهات زیادی هست که انجام آنها می‌تواند شمال و جنوب را مجدداً به سوی جنگ سوق دهد. علاوه بر معضل آبیئی، مناقشات دیگری نیز حداقل در مورد شش منطقه مرزی مبهم وجود دارد. نکته قابل توجه دیگر که باید قبل از جدایی رسمی شمال و جنوب در ماه جولای امسال آن را حل کرد این است که چگونه باید بدهی ۳۵ میلیارد دلاری، نفت، ارتش ملی، آب رود سفید نیل، مناطق چراندن گله‌ها و حق زمین را تقسیم کرد. حتی اگر توافق‌ها حاصل شود، باز هم در مورد اینکه شمال و جنوب چگونه به تنهایی می‌توانند رشد و توسعه پیدا کنند تردیدهایی وجود دارد. بخش زیادی از نفت سودان که در حال حاضر ۶۰ درصد درآمد دولت سودان را تشکیل می‌دهد در جنوب قرار دارد. همچنین نگرانی‌هایی در مورد ثبات سیاسی در شمال مشاهده می‌شود. استقلال جنوب باعث تشویق دیگر گروه‌های شورشی خواهد شد و از دست دادن سرزمین، الگویی برای گروه‌های تندرو و ژنرال‌ها خواهد بود تا البشیر را برکنار کنند. مباحث و چالش‌های زیاد و متنوعی وجود دارد که باعث می‌شود ناظران از پیش‌بینی در مورد آینده سودان طفره بروند. یک دیپلمات غربی که در جوبا ساکن است در مورد چشم‌انداز آینده سودان می‌گوید: «تا جایی که می‌دانم، اینجا سرزمینی لعن شده است. مشکلات و چالش‌های حیرت‌آوری هستند که باید حل شوند.» تشخیص شکست و ناکامی در مورد آینده این سرزمین راحت‌ترین کار است و موفقیت کمتر به چشم می‌آید: آرام و نامنظم، همراه با عقبگردهایی بی‌پایان. اما این می‌تواند توصیفی از دیپلماسی نیز باشد و خبر شگفت‌انگیز از سودان این است که دیپلماسی در سودان در حال جواب دادن است.

منبع: تایم

گزارش

ورود الکساندر لوکاشنکو به اروپا ممنوع شد

اتحادیه اروپا تصمیم گرفته است ورود «الکساندر لوکاشنکو» رئیس‌جمهوری بلاروس به اروپا را ممنوع کند. به گزارش یورونیوز، نمایندگان ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا طی جلسه‌ای در بروکسل تصمیم گرفتند روند اعمال محدودیت در صدور روادید برای رئیس‌جمهوری بلاروس و دیگر مقام‌های بلندپایه این کشور را آغاز کنند. آنها از دولت بلاروس خواسته‌اند تمام زندانیان سیاسی این کشور را آزاد کند. بنا بر این گزارش، پس از انتخابات ریاست‌جمهوری بلاروس که ۱۹ دسامبر سال گذشته میلادی برگزار شد، لوکاشنکو با اعلام کسب ۸۰ درصد آرا خود را فاتح این انتخابات معرفی کرد. الکساندر لوکاشنکو از ۱۶ سال پیش ریاست‌جمهوری بلاروس را بر عهده دارد. لهستان و اتحادیه اروپا معتقدند او کمتر از ۵۰ درصد آرا را کسب کرده است. در هفته‌های گذشته مخالفان لوکاشنکو با برگزاری تظاهرات در «مینسک» به تقلب گسترده در این انتخابات اعتراض کردند که به شدت سرکوب شده و ۶۰۰ تن از آنها دستگیر شدند.

به دنبال سرکوب مخالفان دولت بلاروس، برخی دولت‌های اروپایی از جمله دولت آلمان تصمیم گرفته‌اند بحث در مورد از سرگیری تحریم‌های معوقه اتحادیه اروپا علیه دولت لوکاشنکو رئیس‌جمهور بلاروس را که در سال ۲۰۰۶ تصویب شده بود دوباره به اجرا بگذارند. به همین دلیل است که اتحادیه اروپا تصمیم گرفته از صدور روادید برای رئیس‌جمهور بلاروس خودداری کند.

لوکاشنکو پیشتر در مصاحبه‌ای با یورونیوز گفته بود از نهادهای اروپایی هراسی ندارد و اعتراضات مخالفان را شورش نامیده و آن را با اعتصابات فرانسه مقایسه کرده بود. او مخالفان را قانون‌شکن معرفی کرده و گفته بود: آنها نه‌تنها قانون‌شکنی کرده‌اند بلکه در میدان مرکزی مینسک جمع شده و مانع رفت و آمد مردم شدند. آنها به سمت ساختمان فرمانداری حرکت کرده و قصد تخریب داشته‌اند. شیشه‌ها را شکستند. پلیس شورشیان و سازمان‌دهندگان را بازداشت کرد اما مطابق با بررسی‌ها، ۸ یا ۹ نامزد انتخاباتی در میان بازداشت‌شدگان نیستند و تنها دو یا سه تن از آنان بازداشت شده‌اند.

چندی پیش مارسین بوساکی وزیر امور خارجه لهستان تاکید کرده بود از یک طرف باید به بلاروس پیشنهاد همکاری داد و از طرف دیگر باید کسانی که خشن‌ترین سرکوب‌ها را در تاریخ بلاروس از زمان استقلال این کشور اعمال کرده‌اند، تحریم شوند. لهستان به عنوان یکی از اعضای این اتحادیه خواستار آن شد که این محدودیت فقط شامل رئیس‌جمهور و سرکوبگران دولت بلاروس و نه مردم این کشور شود. در حال حاضر لهستان اعلام کرده است صدور روادید را برای شهروندان عادی و نه مقام‌های بلاروس رایگان کرده است.